

ذهن عکاس

تفکر خلاق در عکاسی دیجیتال

سرشناسه: فریمن، مایکل، ۱۹۴۵ - م. Freeman, Michael

عنوان و نام پدید آور: ذهن عکاس/ نویسنده مایکل فریمن؛

ترجمه علیرضا بهارلو؛ [ویراستار مانی فرسای]

مشخصات نشر: تهران: کتاب آبان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۹۰ ص.؛ مصور (رنگی).

شابک: ۵۰۰-۷۳۴۳-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Photographer's Mind, 2012

موضوع: عکاسی

شناسه افزوده: بهارلو، علیرضا، ۱۳۶۳ - مترجم

رده بندی کنگره: ۴۵۹۱۳۹۴/ف ۱۴۵ TR

رده بندی دیویی: ۷۷۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۸۸۷۶۲

نویسنده: مایکل فریمن

برگردان: علیرضا بهارلو

طراح گرافیک: احسان رضوانی

لیتوگرافی: جامع هنر

چاپ و صحافی: واژه

نوبت چاپ: سوم، ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۵۰۰-۷۳۴۳-۶۰۰-۹۷۸

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.



انتشارات کتاب آبان

تهران-خیابان انقلاب-خیابان فخررازی-کوی فاتحی داریان-پلاک ۲-طبقه همکف-واحد ۱۰-شماره تماس: ۰۶۶۹۵۵۰۱۲-دورنگار: ۰۶۶۴۰۱۶۴۳

پست الکترونیک: info@abanbooks.com • وبسایت: www.abanbooks.com



ذهن عکاس (تفکر خلاق در عکاسی
دیجیتال)



۹۷۸۶۰۰۷۳۴۳۵۰۰
انتشارات کتاب آبان ۱۶۵۰۰۰۰ ریال

۱۴۸	فصل ۳	۷۶	فصل ۲	۶	مقدمه: عکاسی دموکراتیک
۱۴۸	فرآیند	۷۶	اسلوب		
۱۵۰	قالب‌های تصویر	۷۸	گستره بینا	۸	فصل ۱
۱۵۶	ترکیب‌بندی تعاملی	۹۰	تعادل کلاسیک	۸	هدف
۱۶۰	زمان و حرکت	۱۰۰	همسازها	۱۰	لایه‌های موضوع
۱۶۴	نگاه	۱۰۸	هدایت نگاه	۱۸	خوب جلوه نمودن
۱۶۶	فراواقع‌نمایانه	۱۱۴	تقابل	۳۲	زیبایی متفاوت
۱۷۶	غنی و پرمایه	۱۲۴	سبک گرافیک نازل	۴۰	هیولاهای خفته
۱۸۲	تحلیل رفته	۱۳۲	مینیمالیسم	۴۸	کلیشه و کنایه
۱۸۴	روشن	۱۴۰	سبک گرافیک والا	۵۸	ارتقای امور پیش‌پاافتاده
۱۸۹	پی‌نوشت		بی‌نظمی طراحی شده	۶۶	آشکارگی

مقدمه: عکاسی دموکراتیک

«تمام خودکار است. تنها کاری که باید کرد فشردن یک دکمه است. این

دوربینی است که هر تازه کاری آن را می خرد. [با کمی درنگ و اشاره به سر

خود] تمامش در اینجاست»

هلموت نیوتن^۱

در عکاسی، رسمی رواج یافته که توضیح و نگارش جدی، در خطاب به مخاطب بی طرف است - افرادی که قرار نیست پافرا گذارند و چیزی مشابه را برای خود تجربه کنند. فکر نمی کنم هنگامی که سوزان سانتاگ^۲ کتاب «در باره عکاسی» را نوشت، توقع داشت خوانندگان خود را با مقوله عکاسی درگیر کنند. او کارش را با این پیش فرض آغاز نمود که خوانندگان به عکس هایی که پیش تر گرفته شده اند نگاه خواهند کرد: «... فراگیری با عکس... یا گلچینی از عکس ها... جمع آوری عکس، جمع آوری دنیاست». زمانی که او از عکاسی مردم عادی بحث می کند، از آن به مثابه یک یک پدیده اجتماعی سخن به میان می آورد: «... بسیاری از مردم، عکاسی را به عنوان هنر به کار نمی گیرند. این پدیده در بیشتر مواقع آدابی اجتماعی است...». این بخشی از سنتی گسترده تر برای تفسیر و نقد هنری است. گرچه ناقدان و مورخان هنری، همچون جان راسکین^۳، برنارد برنسون^۴ و کلمنت گرین برگ^۵ برای نقاشان آینده امکانات فراهم نمی آوردند. با این حال هر چند این مسئله ممکن است برای اکثر هنرها قابل تفهیم باشد، اما باید گفت که عکاسی حوزه ای متفاوت است. در جمله اخیر از واژه متفاوت استفاده کردم و این بدان دلیل است که تلفیق دیجیتال و پهن باند، در کنار تغییر در جایگاه و مقصود هنر، عصر عکاسی دموکراتیک را آغاز کرده است. مخاطب عکاسی خود، عکس را تهیه می کند! دردناک است. هنر متکبران به ندرت در مورد این قضیه حس خوبی دارند، اما این شیوه ای تثبیت شده است و تصور می کنم زمان مناسبی است که خوانش عکس را با برداشت عکس همراه کرد.

افزون بر این، شرح و تفسیر هنرها همواره بی طرفانه نبوده است. هنگامی که سیسرو در سده نخست پیش از میلاد کتاب «در باره قوه خلاقه» را به رشته تحریر در آورد و زمانی که فیلسوف یونانی، دیونیسوس لانگینوس بعدتر رساله خود را با عنوان «در باره امر والا» در باب شعر و سخنوری به نگارش در آورد، هر دو تعالیمی عملی را ارائه می کردند. در آن زمان هر فرد تحصیل کرده و صاحب دانش، به طور قطع به هنر بیان و نوشتار می پرداخت. در حال حاضر نیز با نوعی عکاسی روبه رو هستیم که میلیون ها انسان درگیر آن هستند و شمار قابل توجهی از آن برای بیان خلاقانه بهره می گیرند. امروزه تلاش بهتر یک عکس می تواند - و به احتمال فراوان باید - منجر به گرفتن تصاویری مطلوب تر شود. به هر تقدیر، این بحث و فرافکنش در مقاله است. البته پرسش میلیون دلاری آن است که چرا عکس باعث ایجاد یک تصویر مطلوب می شود؟ این پرسشی است که از من بارها در صحبت ها و مصاحبه ها پرسیده شده است که البته پرسشی دست نیافتنی و طفره آمیز به نظر می رسد. می توانستم در پاسخ بگویم «ساختار مناسب» یا هر تعداد ویژگی های خاص تر، اما این مسئله دامنه کار را محدود می سازد. اگر یک گام برای دیدن نمای کلی به عقب بازگردیم، تهیه فهرستی از ویژگی های تصویر پردازی خوب، در واقع آن چنان هم دشوار نیست. من شش مورد برای این امر در نظر می گیرم. شاید شما بخواهید چند مورد دیگر هم اضافه نمایید، اما معتقدم که آنها به عنوان زیر مجموعه های این موارد عمل می کنند. البته تمام تصاویر خوب از همه این موارد تبعیت نمی کنند، اما بیشتر آنها چنین هستند:

۱. آگاهی نسبت به اینکه چه چیزی در بیشتر مواقع متقاعدکننده است. حتی اگر تصویری از اصول و مبانی فنی و زیباشناختی تخطی کند، ضروری است که در راستای آگاهی از همین موارد قرار داشته باشد.
۲. تحریک و تهییج. اگر عکسی موجب برانگیختن و جلب توجه نشود، آنگاه تنها می توان به آن صفت «مناسب» را اطلاق کرد؛ نه بیشتر.
۳. چند لایه. عکسی که بر روی بیش از یک سطح کار می کند، مانند امور گرافیکی که همراه مفهومی عمیق تر، بهتر عمل خواهد کرد. مانند به عنوان بیننده خواهان کشف و دریافت هستیم.
۴. تطابق با زمینه فرهنگی. عکاسی تا حدود زیادی بخشی از خوراک بصری هر شخص است و در ذات خود، امری معاصر است. بیشتر افراد آن را به عنوان چیزی قبول دارند که به «اینجا» و «اکنون» می پردازد.
۵. داشتن ایده. هر اثر هنری دارای ژرفایی از اندیشه است که بدان می پردازد. یک عکس نیازمند این است که تخیل بیننده را به خود جلب کند و نیز نگاه را مجذوب خود سازد.
۶. درستی و مطابقت با رسانه. این در واقع نگاهی بلند مدت در نقد هنر است که به موجب آن، هر رسانه هنری باید به کاوش و بهره برداری از آنچه در آن خوب است پردازد و از سایر فرم های هنری - حداقل نه بدون استفاده از کنایه - تقلید نکند.